

## بررسی جلوه‌های توحید در قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی

فربیا کلانترزاده<sup>۱</sup>

### چکیده

این پژوهش به بررسی توحید عملی در نگاه علامه پرداخته است. در نگاه ایشان وجود حقیقتی اصیل و ثابت است که از صرافت، بساطت و اطلاق تام برخوردار است. نه جز دارد نه ثانی می‌پذیرد و نه غیری در مقابل او تحقق دارد، چراکه غیر از وجود حق تعالی، هر وجودی از سنخ وجود رابط است. علامه قایل به فطری بودن توحید می‌باشد. روش علامه در اثبات توحید روشی فلسفی - عرفانی - قرآنی است. از نگاه علامه طباطبائی، مسئله توحید، تنها در قضیه «خدا هست» خلاصه نمی‌شود؛ بلکه توحید، یک جهان‌بینی است؛ یک نگرش جامع به هستی و هستی‌شناسی عمیق است. اعتقاد به توحید، از حد یک مفهوم ذهنی فراتر می‌رود و تمامی زندگی و سراسر هستی را تحت پوشش قرار می‌دهد به طوری که فرد موحد، در بینش، رفتار و کنش، در اعتقاد و عمل، «توحیدی» می‌اندیشد و عمل می‌کند و سراسر زندگی او حضور توحید است. از دیدگاه علامه طباطبائی توحید، امری فطری است. همچنین ایشان در این زمینه به روایاتی که بیانگر این حقیقت هستند استشهد می‌کند. در این راستا پژوهش حاضر در تلاش است تا به بررسی جلوه‌های توحید عملی در قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان پرداخته بدین صورت که مراتب توحید عملی در قرآن و نیز شاخصه‌های توحید عملی را بیان نموده و در نهایت در این پژوهش سعی شده است تبیین علامه طباطبائی در تفسیر المیزان را از توحید عملی مشخص نماید.

**کلیدواژه:** توحید، علامه طباطبائی، توحید عبادی، توحید عملی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد الهیات، دانشگاه پیام نور، مرکز قم، faribakalantarzadeh727@gmail.com

## مقدمه

در میان اصول اعتقادات، اصل اساسی و کلیدی اصل توحید است که پایه پذیرش باورهای دیگر می باشد این باورها گام به گام پیش می روند تا به نقطه اوج آن که توحید عبادی (عملی) و بندگی خالصانه است برسد. از این رو در بردارنده نهایت سعادت آدمی است و درخور توجه می باشد، به گونه ای که انبیا دعوتشان بر پایه توحید و یکتاپرستی بنا شده است و مردم را به اقرار و ایمان به یکتایی خداوند و توحید عملی خوانده اند. پس توحید در دو بعد نظر و عمل مطرح می شود که این دو جنبه از توحید ملازم هم هستند و بازگشت توحید عملی به توحید نظری است و تا انسان در بعد نظری توحید به شناخت نرسیده باشد، در مسیر توحید عملی قرار نمی گیرد و همچنین اعتقاد به توحید نظری به تنهایی انسان را به سعادت نمی رساند، در این میان درک صحیح توحید عملی به عنوان اساسی ترین و سرنوشت سازترین مرتبه در مراتب توحید و اقسام توحید برای رسیدن به درجات عالی موحدان، ضروری است. لذا مراد از توحید عملی یا عبادی این است که انسان تنها خدا را مطاع و قبله روح و جهت حرکت و آرمان خویش کند و هر مطاع و جهت قبله و آرمان دیگر را کنار بگذارد و در یک کلمه توحید عملی یگانه شدن و یگانه پرستی است بدین صورت که همه اعمال انسان برای برخورداری از ثواب الهی و به یاد روز جزا باشد یعنی تمام اعمال انسان برای خدا باشد نماز و عبادت برای خدا احسان برای خدا منبر و موعظه برای خدا جنگ و صلح برای خدادوستی و دشمنی برای خدا و حتی خوردن و خوابیدن ... همه برای خدا باشد یعنی هر عملی که انجام می شود بر اساس دستورات الهی و برای جلب رضایت الهی و قرب وجودی به ساحت قدس معبود حقیقی و مبتنی بر حب باشد؛ بنابراین در توحید عملی فقط خداست که شایستگی پرستش را دارد و لازم است که مسلمانان اعمال دینی خود را فقط برای خدا انجام دهند و این اعتقاد و باور آنان در رفتارها و اعمال آنها ظهور پیدا می کند به گونه ای که در زندگی فردی و اعمال آنها ظهور پیدا می کند به گونه ای که در زندگی فردی و اجتماعی انسان موحد تأثیر آشکار و شگرفی خواهد داشت بدین صورت که این اعتقاد و باور سبک زندگی انسان را متحول می کند تا جایی که تمام زندگی او رنگ و بویی خدایی خواهد داشت و آدمی به مقام عبودیتی که هدف از خلقت اوست نایل می گردد و خدامحوری اساس زندگی او قرار می گیرد با این همه بیشتر لجاجت ها و انحراف ها در همین قسم از توحید (عملی) صورت گرفته و بسیاری از افراد به معبودهای دروغین روی آورده اند از این رو سرفصل دعوت پیامبران مسئله توحید عبادی و درگیری های آنان با طاغوتیان و مشرکان بیشتر در این مسئله بوده است بنابراین چنان که قرآن تصریح می کند هدف اساسی بعثت دعوت به عبادت به خدا و اجتناب از طاغوت است (و لقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدو الله و اجتنبوا الطاغوت). از این رو قرآن کریم در آیات متعددی توحید در عبادت (عملی) را مطرح کرده است از جمله در سوره توحید آیه (۲ تا ۵) و انعام آیه (۱۰۲) ... با این حال از منظر قرآن کریم توحید عبادی (عملی) تا در رفتار و اعمال ظهور نیابد و خود را در مرحله عمل به صورتها و جلوه های مناسب نشان ندهد نمی توان ادعای آن را

از کسی پذیرفت بلکه فکری است که در مشاعر کردار و رفتار انسان تجلی می‌یابد و تمام زندگی او را می‌پوشاند لذا پیروی از دستورهای خدا در حقیقت عبادت پروردگار است چنان‌که اطاعت از شیطان عبادت اوست اطاعت از دستورهای معبود شعار عبودیت است که باید در شئون زندگی ظاهر شود و نیز سجده کردن برای خدا، شکرگزاری در برابر نعمت‌هایش، دعا و مناجات، حمد و ستایش در برابر اوصاف کمال، تنها از خدا کمک خواست ... از این دسته موارد می‌باشند. در این راستا پژوهش حاضر در تلاش است تا به بررسی جلوه‌های توحید عملی در قرآن با تأکید بر تفسیر المیزان پرداخته بدین‌صورت که مراتب توحید عملی در قرآن و نیز شاخصه‌های توحید عملی را بیان نموده و درنهایت در این پژوهش سعی شده است تبیین علامه طباطبایی در تفسیر المیزان را از توحید عملی مشخص نمود.

### تعریف لغوی توحید

واژه «توحید» مصدر باب تفعیل از ریشه «و - ح - د» و در لغت به معنای یکی ساختن چیزی و حکم به یکتایی آن (لویس معلوف، ۱۳۸۷: ۸۹۰؛ علی بن محمد الجرجانی، ۱۴۰۵ ق: ۹۶).

### تعریف اصطلاحی توحید

اصطلاح، خدا را به ربوبیت شناختن و به وحدانیتش اقرار داشتن و اضداد و امثال را از او نفی کردن است (علی بن محمد الجرجانی، ۱۴۰۵ ق، ص، ۹۶). توحید، اعتقاد به یکتایی و یگانگی خدا، اقرار به خالقیت و ربوبیت مطلق و انحصاری او، پرستش و ستایش خالصانه و دور از شرک است.

### توحید در قرآن کریم

قرآن کریم هرچند کلمه «توحید» را به کار نبرده است، از آنجا که کتاب هدایت است (بقره، سوره ۲، آیه، ۱۸۵) و انسان‌ها را به استوارترین طریقه، یعنی کلمه توحید، ایمان به خدا و پیامبران و اطاعت از او (طوسی، ۴۶۰ ق، ج ۶: ۴۵۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶: ۲۲۵) هدایت می‌کند «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء، سوره ۱۷، آیه، ۹) در جای‌جای آن به‌نوعی سخن از اثبات توحید و نفی شرک است تا حدی که برخی غرض‌نهایی عموم آیات قرآن را اثبات توحید دانسته‌اند، (تفسیر صدرالمتهلین، ۱۳۶۶، ج ۴: ۵۴) زیرا اصل اعتقاد به وجود خدای خالق آسمان‌ها و زمین امری بدیهی (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۳۹۳) و فطری (صدوق، ۳۸۱ ق: ۳۳۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۶: ۱۸۸) است و به اثبات نیازی ندارد، ازاین‌رو عنایت ویژه قرآن به اثبات صفات خدا (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ۳۹۵) و در رأس آن‌ها بارزترین صفت، (محاضرات السبحانی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۱۱) یعنی وحدت، معطوف است.

### اقسام توحید

دانشمندان ابتدا توحید را به دو قسم نظری و عملی و سپس توحید نظری را به سه قسم ذاتی، صفاتی و افعالی قسمت کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۳ ش، ج ۲: ۲۰۳؛ مطهری، ۱۳۵۸ ش، ج ۲: ۹۹ - ۱۰۴).

برخی نیز در یک تقسیم، توحید را شامل چهار قسم ذاتی، صفاتی، افعالی و عبادی دانسته‌اند (حسین العایش: ۳۷، به نقل از آل جمیع، ۱۹۹۷: ۱۱۹).

### ۱- توحید ذاتی

در توحید ذاتی گاه نظر به واحدیت خدا، یعنی یگانگی و شریک نداشتن، (سبزواری، ۱۲۸۹ ق: ۱۴۸) و گاه نظر به احدیت او، یعنی یکتایی و بساطت و جز نداشتن است (محاضرات السبحانی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۱۵۵) که از آن در صورت نخست به «توحید واحدی» و در صورت دوم به «توحید احدی» تعبیر می‌کنند (محاضرات السبحانی، ج ۲: ۱۱) در توحید واحدی گاه نظر به وحدت عددی است که مستلزم محدودیت و تقابل خداوند با دیگر موجودات است - همان‌گونه که عموم متکلمان و خصوص حکیمان مثانی تصوّر کرده‌اند - و گاه نظر به وحدت حقیقی (صمدی) است که با هر محدودیتی در تعارض و مستلزم احاطه وجودی خداوند بر همه کثرات و موجودات است، همان‌گونه که عموم عارفان و خصوص حکیمان صدراپی تصویر کرده‌اند.

### ۲- توحید صفاتی

توحید صفاتی این است که صفات اثبات شده برای خدا، کثرت بردار نیست؛ بدین معنی که علم و قدرت و حیات و دیگر صفات خدا همه عبارت از ذات است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۳۹۴).

### ۳- توحید افعالی

توحید افعالی نیز این است که عالم با همه دقایق و تفصیلاتش، اعم از افعالی که مستقیم به خدا منسوب‌اند و افعال و تأثیرات و حرکاتی که به‌طور معمول به دیگران نسبت داده می‌شوند، در حقیقت از خدا و اراده او صادر شده‌اند و بنا بر قول مشهور «لا مؤثر فی الوجود الاّ الله» در دایره هستی کسی جز خدا اثرگذار نیست (آملی، ۱۳۹۳ ش: ۱۱۴) که خود به صورت‌های گوناگون تجلّی می‌یابد و عمده آن‌ها عبارت‌اند از ۱. توحید در خالقیت؛ ۲. توحید در مالکیت؛ ۳. توحید در حاکمیت؛ ۴. توحید در ربوبیت؛ ۵. توحید در ولایت؛ ۶. توحید در رازقیت؛ ۷. توحید در شفاعت.

### ۴- توحید عملی

مراد از توحید عملی یا عبادی این است که انسان تنها خدا را مطاع و قبله روح و جهت حرکت و آرمان خویش کند و هر مطاع و جهت و قبله و آرمان دیگر را کنار نهد و در یک کلمه، توحید عملی، یگانه‌پرستی و یگانه شدن است (مطهری، ۱۳۵۸ ش، ج ۲: ۱۰۴ - ۱۰۶) بنا بر قولی، مراد از توحید عملی آن است که همه اعمال انسان برای برخوردار شدن از ثواب الهی و به یاد روز جزا باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۳۶۲). برخی، جلوه‌های توحید عملی را در سه مرتبه متجلی دانسته‌اند: ۱. توحید در عبادت؛ ۲. توحید در حمد؛ ۳. توحید در دعا (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۵۱۶ - ۵۴۹).

## مفهوم توحید عملی

در حقیقت، توحید عملی، اساسی‌ترین و سرنوشت‌سازترین مرتبه در مراتب و اقسام توحید است که در قرآن بارها با تأکید، بیان شده است: «وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِلَهًا» (سوره اسراء، آیه ۲۳) یا «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» (سوره نساء، آیه ۳۶). توحید عملی علاوه بر عالم تشریح بر جهان تکوین نیز حکم فرماست: «إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا» (سوره مریم، آیه ۹۳). امام سجاد (ع) این حقیقت را بدین صورت اعتراف می‌کند، «سُبْحَانَكَ خَضَعُ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَ خَشَعُ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَ انْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ» (انصاریان، ۱۳۷۴ ش: ۱۴۹)؛ پاک و منزهی تو! هر که در دایره علم تو قرار گرفته در برابر تو خاضع و هر چه در زیر عرش تو است در برابر عظمت خاضع است؛ و همه آفریدگانت در پیشگاهت سر تسلیم فرود آورده‌اند (انصاریان، ۱۳۷۴ ش: ۱۵۳). توحید عملی نیز مانند توحید نظری دارای جلوه‌ها و ابعاد گوناگونی است که در ادعیه معصومین به‌ویژه صحیفه سجادیه آمده و مورد اقرار یا درخواست قرار گرفته است توحید عملی بدین معناست که کسی جز «الله» سزاوار پرستش نیست و اله و معبودی جز او وجود ندارد «اله» به معنای معبود و کسی است که شایسته عبادت و اطاعت باشد (طریحی، ۱۳۷۵: ۹۴). مرحوم علامه طباطبایی در این‌باره می‌فرماید: آیات قرآن، درحالی‌که این معارف الهی و حقایق حقه را به تفصیل در بردارد، متکی به حقیقت واحدی است که اصل همه این‌هاست و تمام این‌ها فروع آن‌اند. آن حقیقت اساسی که بنیان دین بر آن استوار است، همان یگانگی و توحید خداوند متعال است که وقتی تحلیل شود، تمام تفاسیل معانی قرآنی - اعم از معارف و قوانین - به آن بازمی‌گردد و تفصیل و فروع آن، وقتی ترکیب شود، به همان اصل بازمی‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۳۵).

توحید عملی یعنی تنها یک «اله» یعنی همان «الله» را شایسته پرستش دانستن و نفی وجود اله دیگر. این مطلب همان مفهوم شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است. این قسم در حقیقت نتیجه طبیعی اقسام دیگر توحید است؛ (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۸۲) زیرا وقتی هستی ما از الله است، اختیار وجود ما هم به دست اوست، تأثیر استقلالی در جهان از اوست، حق فرمان دادن و قانون وضع کردن منحصر به اوست، دیگر جای پرستش برای کس دیگری باقی نمی‌ماند. لذا توحید عملی یا توحید در عبادت یعنی تنها خدا را مطاع و قبله روح و جهت حرکت و ایده آل قرار دادن و طرد هر مطاع و جهت و قبله و ایده آل دیگر.

آیت‌الله جوادی آملی، در این‌باره می‌فرماید توحید در برنامه‌های عملی آن گاه ظهور می‌کند که انسان در آغاز و پایان هر کاری «خدا» بگوید: «وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۵۴). شهید مطهری پرستش را یک عکس‌العمل و نوعی رابطه خاضعانه و ستایشگران و سپاس‌گزاران در برابر صفات توحیدی خداوند می‌داند که انسان فقط باخدای خود چنین رابطه‌ای برقرار می‌کند (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۳). وی عبادت و اعمال انسان را بر دو قسم

می‌کند و می‌فرماید: «پرستش یا قولی است یا عملی. پرستش قولی عبارت است از یک سلسله جمله‌ها و اذکار که به زبان می‌گوییم؛ مانند قرائت حمد و سوره و اذکاری که در رکوع و سجود و تشهد نماز می‌گوییم و ذکر لبیک که در حج می‌گوییم. پرستش عملی مانند قیام و رکوع و سجود در نماز یا وقوف عرفات و مشعر و طواف در حج.

### اهمیت توحید عملی

توحید قرآن تنها یک اندیشه و نگرش نیست که فقط در پی سامان‌دهی باورها و اصلاح اعتقادات و اندوخته‌های ذهنی باشد بلکه علاوه بر بعد اعتقادی و فکری، رفتارها و اعمال فردی و اجتماعی را نیز سامان می‌دهد. انبیا و منادیان توحید بیش از آن که یگانگی خدا را در نظر و اندیشه تبلیغ نمایند و با شرک در اعتقاد مبارزه نمایند به دنبال آن بودند که در صحنه عمل محوریت خدای واحد را نشان داده و جهت‌گیری رفتارها بر اساس توحید و انحصار حاکمیت به خدا را سامان داده و آن‌ها را از اطاعت و پیروی رقیبان خدا بازدارند و شاید به همین جهت باشد که قرآن نسبت به توحید ربوبی و عبادی بیش از توحید ذاتی و صفاتی تأکید می‌کند. چنانکه توطئه‌ها و ستیزه‌گری مستکبران و دشمنان انبیا و مترفان فقط به خاطر اندیشه توحیدی و افکارشان نبود بلکه دعوت آنان را تهدیدکننده موقعیت اجتماعی و قدرت سیاسی خود می‌دانستند. بزرگان و اشراف مکه از سر اعتقاد و تعبد به بت‌ها نبود که با تمام توان به مقابله با پیامبر اقدام می‌کردند بلکه آن‌ان دعوت پیامبر (ص) را منافای موقعیت اشرافی و اجتماعی خود و بر هم زنده منافع خویش می‌دانستند.

توحید در قرآن تنها نگرشی بی‌تفاوت و غیرمسئول نیست. شناختی متعهد و بینشی فعال و سازنده است. طرز فکری است که در بنای جامعه و اداره آن و ترسیم خط سیر آن و تعیین هدف آن و تأمین عناصر حفظ و ادامه آن، دارای تأثیر توحید از ارکان ایدئولوژی اسلام بلکه اساسی و تعیین‌کننده است و اصطلاحاً رکن اصلی آن نیز هست (موسوی خامنه‌ای، ۱۳۷۴: ۲۳).

در اهمیت توحید همین بس که در کنار تصدیق پیامبری حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اولین شرط تشرف انسان به آیین حیات‌بخش اسلام و ورود به آستانه سعادت و رستگاری است. خداوند را به یکتایی شناختن و تنها او را پرستیدن، نه‌تنها در قلمرو عقاید اسلامی که در دیگر حوزه‌های تعلیم اسلام، مانند اخلاق و فقه، نقش اساسی دارد. شالوده نظام اخلاقی اسلام بر اصل توحید استوار است و بسیاری از احکام و آداب دینی، از روح توحیدی اسلام به‌ویژه توحید عملی سرچشمه می‌گیرد. توحید عملی، حیات آدمی را چه در ساحت اندیشه و اعتقاد و چه در عرصه کردار و عمل دگرگون می‌سازد و به آن رنگ و بوی خاصی می‌بخشد.

در میان اقسام توحید، بیش از همه بر توحید در عبادت، تأکید شده است. هم‌چنین همه اندیشمندان مسلمان و تمام مذاهب کلامی، با اینکه در اقسام توحید نظری اختلافاتی دارند، در حوزه

توحید عبادی، بدون هیچ اختلافی معتقدند که عبادت تنها مخصوص خداست (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۸۵). البته این نکته را نباید فراموش کرد که انحراف و جهل در حوزه نظر، انسان را به جهل و اشتباه در حوزه عمل می‌کشاند؛ از سوی دیگر، معرفت صحیح در حوزه توحید نظری، زمینه‌های توحید در عبادت را فراهم خواهد کرد؛ هر چند ممکن است برخی باوجود توحید در ابعاد مختلف حوزه نظری، به دلیل لجاجت و گردن‌کشی، گرفتار شرک در عبادت شوند. به دلیل همین ویژگی است که در میان مذاهب اسلامی، بیش‌تر پیرامون توحید نظری سخن گفته‌شده است تا توحید عبادی؛ چون انسان تا خداوند را کاملاً نشناسد و با صفات منحصر به فرد او آشنا نشود و در یک جمله، به توحید در ربوبیت نرسد، هرگز به توحید در الوهیت نخواهد رسید (علیزاده موسوی، ۱۳۸۹: ۷۴).

قرآن درباره هواپرستان می‌فرماید: «أفرأیت من اتخذ إلهه هواه و أضله الله علی علم» (سوره جاثیه، آیه ۲۳) (آیا ندیدی کسی را که معبود خود را خواهش و هوس دل خویش گرفت و خدا او را، با این که علم داشت، [به کیفر چنین کاری] گمراه کرد). بزرگان از اهل معرفت گفته‌اند: «إن أكثف الأوثان الصنم و أطفها الهوی»<sup>۱</sup>. از همین جا اهمیت موضوع روشن می‌شود که چرا خدای سبحان تا این اندازه با لسان نفی و اثبات به تبیین و تثبیت توحید عملی اهتمام می‌ورزد؛ گاهی می‌فرماید: در عبادت مخلص باشید؛ «قل إتی أمرت أن أعبد الله مخلصاً له الدین» (سوره زمر، آیه ۱۱) و گاهی می‌فرماید: تنها مرا بپرستید؛ «فإیای فاعبدون» (سوره عنکبوت، آیه ۵۶) «و قضی ربک ألا تعبدوا إلا إیاه» (سوره اسراء، آیه ۲۳) که متضمن حصر در عبادت است. این حصر گاهی از دو جمله نفی و اثبات استفاده می‌شود، مانند: «و اعبدوا الله و لا تشرکوا به شیئاً» (سوره نساء، آیه ۳۶) مضمون این دو جمله همان توحید عبادی است. گاهی همین تعبیر بدون فاصله شدن واو آمده تا روشن کند که حقیقت توحید، مرکب از دو چیز نیست، یکی عبادت خدا و دیگری نفی عبادت غیر خدا، بلکه حقیقت توحید یک چیز است و آن عبادت خالص و بی‌شائبه برای خداست (طباطبایی، ۱۳۶۹: ۴۴).

### تبیین علامه طباطبایی از توحید عملی در تفسیر المیزان

#### روش طرح توحید در قرآن

همان‌گونه که می‌دانیم، سیر نزول سوره‌های قرآن به‌گونه‌ای رقم خورد که در سوره حمد از توحید عبادت و توحید افعالی به وضوح سخن گفته شده است و در ادامه سیر نزول سوره‌ها همین رویکرد ادامه دارد تا آن که در سوره کافرون که در ترتیب نزول هجدهمین سوره مکی دانسته شده است، پیامبر اکرم مأموریت می‌یابد تا به‌طور صریح صف اعتقادی خود را از کافران جدا سازد و اعلام دارد که در موضوع پرستش و اطاعت و راهی که در اطاعت انتخاب می‌کند، مسیری برخلاف مسیر کافران می‌رود «قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون و لا انتم عابدون ما اعبد و لا انا عابد ما عبدتم و لا انتم

۱. حجیم‌ترین و انبوه‌ترین بت‌ها بت سنگ و چوب است و ظریف‌ترین بت‌ها هوای نفس است.

عابدون ما عبد، لکم دینکم و لی دین» (سوره کافرون، آیات ۱ تا ۶) (بگو ای کافران، آنچه می‌پرستید، نمی‌پرستم و آنچه عبادت می‌کنم، شما عبادت نمی‌کنید و نه آنچه را عبادت می‌کنید، من عبادت می‌کنم و نه آنچه عبادت می‌کنم، شما عبادت می‌کنید، دین شما پس از این برای خودتان و دین من برای خودم)

علامه در این خصوص می‌فرماید در این سوره رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را دستور می‌دهد به این که برائت خود از کیش و ثنیت آنان را علنا اظهار داشته، خبر دهد که آن‌ها نیز پذیرای دین وی نیستند، پس نه دین او مورد استفاده ایشان قرار می‌گیرد و نه دین آنان آن جناب را مجذوب خود می‌کند، بنابراین نه کفار می‌پرستند آنچه را که آن جناب می‌پرستد و نه تا ابد آن می‌پرستد آنچه را که ایشان می‌پرستند، پس کفار باید برای ابد از سازش کاری و مدهنه آن جناب مایوس باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۶۴۴).

### توحید در حمد

حمد، در اصطلاح، ستایش در برابر کمال و کار نیک اختیاری است، خواه بهره ای از آن کمال به دیگری برسد یا نه؛ و در صورت رسیدن به غیر، دریافت‌کننده شخص حامد باشد یا غیر او و چه از صاحبان اندیشه باشد یا غیر صاحبان عقل. با این بیان، اگر قید «بالذات» و «بالاستقلال» نیز بر آن اضافه شود، تنها مصداق آن خدای سبحان است که صاحب صفات جمال و جلال است و برخی از اسمای حسنی او حکایت از ایصال فیض به دیگران دارد، مانند خالق و رازق؛ و بعض دیگر حاکی از تنزیه و تجرد او از ماده و ماهیت است (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۲۶). غرض آن که چون قید بالذات و بالاستقلال در حمد ملحوظ گردد، عنوان عبادی بودن و انحصار آن برای خدای سبحان ثابت می‌شود؛ چنان که عنوان دعا، خواندن و خواستن نیز با حفظ قید ذاتی و مستقل، هم صیغه عبادت می‌یابد و هم مخصوص خدای سبحان می‌شود. حمد خدای سبحان در آغاز پنج سوره از سوره‌های قرآن کریم آمده است سوره‌های حمد، انعام، کهف، سبأ و فاطر. آنچه در طلیعه سوره «حمد» آمده جامع‌ترین آن‌هاست (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۲۷). کلمه حمد به طوری که گفته‌اند به معنای ثنا و ستایش در برابر عمل جمیلی است که ثنا شونده به اختیار خود انجام داده، به خلاف کلمه (مدح) که هم این ثنا را شامل می‌شود و هم ثنای بر عمل غیر اختیاری را، مثلاً گفته می‌شود (من فلانی را در برابر کرامتی که دارد حمد و مدح کردم) ولی در مورد تلاوت یک مروراید و یا بوی خوش یک گل نمی‌گوییم آن را حمد کردم بلکه تنها می‌توانیم بگوییم (آن را مدح کردم) (سوره انعام آیه ۱۰۲).

علامه در این باره می‌نویسد خدای سبحان می‌فرماید: «ذلکم الله ربکم خالق کل شیء» (سوره سجد، آیه ۷) (این است خدای شما که خالق هر چیز است) و اعلام می‌دارد که هر موجودی که مصداق کلمه (چیز) باشد، مخلوق خداست و نیز فرموده: «الذی احسن کل شیء خلقه...» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۶۴۶) (آن خدایی که هر چه را خلق کرده زیبایش کرده) و اثبات کرده که هر چیزی



که مخلوق است به آن جهت که مخلوق او است و منسوب به او است حسن و زیبا است، پس حسن و زیبایی دایر مدار خلقت است، همچنان که خلقت دایر مدار حسن می‌باشد، پس هیچ خلقی نیست مگر آن که به احسان خدا حسن و به اجمال او جمیل است و برای هیچ کس حسن و زیبایی نیست مگر آن که مخلوق او و منسوب به او است؛ و نیز فرموده: «...هو الله الواحد القهار» (سوره زمر، آیه ۳) (اوست خدای واحد قهار)، نیز فرموده: «و عنت الوجوه للحي القيوم»، (ذلیل و خاضع شد وجوه در برابر حی قیوم) و در این دو آیه خبر داده است از این که هیچ چیزی را به اجبار کسی و قهر قاهری نیافریده و هیچ فعلی را به اجبار اجبار کننده‌ای انجام نمی‌دهد، بلکه هر چه خلق کرده با علم و اختیار خود کرده، در نتیجه هیچ موجودی نیست مگر آن که فعل اختیاری او است، آن هم فعل جمیل و حسن، پس از جهت فعل تمامی حمدها از آن او است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۶۴۶).

### توحید در عبادت

علامه طباطبایی در تفاسیر خود به‌طور مشخص و مفصل درباره حقیقت توحید عبادی، سخنی نگفته است، لیکن می‌توان از مجموع نظریاتی که درباره حقیقت توحید و مفهوم عبادت که ایشان ارایه کرده‌اند، نمایی از حقیقت توحید عبادی ترسیم کرد و ما در پرتو اندیشه‌های تفسیری این مفسر، از دو طریق به تبیین حقیقت توحید عبادی پرداخته‌ایم نخست با تحلیل مفهومی واژه عبادت در کاربرد قرآنی آن و بیان معانی چهارگانه خضوع، دعا، اطاعت و توحید برای این واژه، به تشریح توحیدی عبادی پرداخته البته لازم به ذکر است گرچه برخی از این معانی با توحید عبادی بی‌ارتباط نیستند، لیکن هیچ‌کدام از آن‌ها به‌تنهایی و بدون لحاظ مؤلفه دیگر نمی‌توانند مبین حقیقت عبادت و به تبع آن توحید عبادی باشند. به همین دلیل در ادامه بحث پس از تشریح آن‌ها، عبادت حقیقتی ترکیبی دانسته شده است و علاوه بر عملی که گویای خضوع و تذلل باطنی است، مؤلفه‌ها و عناصری دیگر همچون اعتقاد به الوهیت و ربوبیت معبود و نیز استقلال در این الوهیت و ربوبیت در عبادی شدن عمل در نظر گرفته شده‌اند. با توجه به کاربرد واژه عبادت در قرآن به نظر می‌رسد در مجموع بتوان به سه معنا برای واژه عبادت در کاربرد قرآنی آن اشاره کرد:

### ۱- عبادت و خضوع

علامه طباطبایی برخلاف دیدگاه لغویین و دانشمندان و مفسرانی چون آلوسی عبادت را به معنای خضوع ندانسته، بر این باور است کسانی که عبادت را به معنای خضوع دانسته‌اند، معنای لغوی این واژه را بیان نکرده‌اند، بلکه لازمه معنا را معنای کلمه گرفته‌اند. به عبارتی عبادت اگرچه مستلزم خضوع است، به معنای خضوع نیست و معنایی مختص به خود دارد. وی در تحلیل این مطلب این نکته را یادآور می‌شود که از نظر ادبی خضوع لازم است و با لام متعدی می‌شود؛ مانند: «فَطَلَّتْ أَعْنَاقَهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (سوره شعرا، آیه ۴) ولی کلمه عبادت متعدی بنفسه است. پس معنای مطابقی عبادت، خضوع نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۴).

وی بر این باور است که عبادت از کلمه «عبد» گرفته شده و عبد به معنای انسانی است که مملوک غیر باشد و اگر این کلمه را از ویژگی‌های انسانی تجرید کنیم به معنای موجود باشعوری است که ملک غیر باشد و به این اعتبار بر همه موجودات با شعور اطلاق می‌شود. «إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا مَرِيَمَ» (سوره مریم، آیه ۹۳). بنابراین عبادت از دیدگاه علامه عملی است که عبودیت و مملوکیت عابد را در برابر معبود و مالک خود و نیز تصرف مالکانه و افاضه نعمت به مملوک و دفع نعمت از او را مجسم می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۷: ۲۳۳).

البته باید اشاره نمود اگرچه خضوع به سبب برخی اشکالات ادبی و غیر آن نمی‌تواند معنای مطابقی عبادت به شمار آید، به‌طور کلی عبادت و خضوع بیگانه و بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند؛ بلکه همان‌گونه که بیان شد خضوع لازمه عبادت است و بدون آن عبادت معنایی نخواهد داشت. لذا علامه دربیانی دیگر وقتی به تبیین حقیقت عبادت می‌پردازد، آن را به معنای اظهار خضوع و تذلل نفس و ترسیم‌کننده مملوکیت و ذلت عابد در مقابل معبود معنا کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۸: ۱۷۳).

## ۲- عبادت و دعا

علامه در وجه اتحاد معنایی عبادت و دعا و اینکه صرف دعا و خواندن، عبادت نیست، می‌نویسد: «دعوت و دعای بندگان عبارت است از این که بنده خدا با خواندن پروردگارش رحمت و عنایت پروردگار خود را به‌سوی خود جلب کند و خواندندش به این است که خود را در مقام عبودیت و مملوکیت قرار دهد. به همین جهت عبادت در حقیقت دعاست؛ چون بنده در حال عبادت خود را در مقام مملوکیت و اتصال به مولای خویش قرار می‌دهد و اعلام تبعیت و اقرار به ذلت می‌کند تا خدا را با مقام مولویت و ربوبیتش به خود معطوف سازد، دعا هم عیناً همین است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۳۸). گفتنی است با توجه به قیدی که علامه در کلام خود آورده مقام مملوکیت و با توجه به سایر عبارات او، دعا وقتی عبادت به شمار می‌آید که بنده در مقام مملوکیت، معبود خود را بخواند و از او برای تأمین نیازهای خودیاری بطلبد.

## ۳- عبادت و اطاعت

البته علامه هر نوع اطاعتی را عبادت نمی‌داند، بلکه به اعتقاد وی اطاعت بدون قید و شرط و بالاستقلال عبادت نامیده می‌شود. وی در تفسیر «وَمَا أَمْرًا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» (سوره توبه، آیه ۳۱) متذکر این مطلب می‌شود و می‌نویسد: «این کلام، دلالت بر چند مطلب دارد: اول این که همان طوری که عبادت هر چیز مساوی با اعتقاد به ربوبیت او است، همچنین اطاعت بدون قید و شرط هر چیز نیز مساوی با رب دانستن آن چیز است. پس اطاعت وقتی به‌طور استقلال باشد خود، عبادت و پرستش است و لازمه این معنا این است که شخص مطاع را بدون قید و شرط و به نحو استقلال «اله» بدانیم؛ زیرا «اله» آن کسی است که سزاوار عبادت باشد و جمله مورد بحث بر همه

این‌ها دلالت دارد؛ زیرا با این که ظاهر کلام اقتضا داشت که بفرماید «وما امروا الا لیتخذوا ربا واحدا» به جای کلمه رب کلمه «اله» را به کاربرد تا بفهماند اتخاذ رب به‌وسیله اطاعت بدون قید و شرط، خود عبادت است و رب را معبود گرفتن همان اله گرفتن است، چون اله به معنای معبود است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۹: ۲۴۵).

بنابراین مطابق این معنای عبادت، توحید به این معنا خواهد بود که تنها خداست که مطاع بالذات است و انسان فقط باید مطیع خدا باشد و از اوامر او فرمان‌برداری کند؛ و اگر بناست نسبت به غیر خدا اطاعتی صورت پذیرد، درجایی امکان‌پذیر است که اطاعت غیر خدا به اطاعت خدا بازگشت داشته باشد؛ مانند اطاعت از انبیا و امامان دین که خود خداوند دستور به اطاعت آنان داده است.

درعین‌حال باید گفت: اولاً نه عبادت در همه‌جا به معنای اطاعت و نه اطاعت همواره مستلزم عبادت است؛ چراکه گاهی اطاعت هست، ولی عبادت وجود ندارد؛ مانند اطاعت فرزند از پدر و شاگرد از استاد و زن از همسر و عبد از مالک و عاشق از معشوق و مرئوس و رعیت از رئیس. همچنین گاهی عبادت وجود دارد ولی اطاعت در کار نیست؛ مانند کسی که بت را می‌پرستد که او را عبادت کرده، گرچه او دستوری ندارد که اطاعت شود (صدرالمتألهین، ۱۳۶۶، ج ۱: ۸۷). ثانیاً مسئله توحید در عبادت به معنای اطاعت صرف از خداوند اگرچه سخن حقی است که کمتر مورد رد و انکار قرار گرفته، لیکن توحید در اطاعت از دیدگاه غالب متفکران خود مرتبه‌ای دیگر از توحید را شکل می‌دهد و در بحث از توحید عملی کمتر به آن پرداخته می‌شود؛ آن‌گونه که علامه طباطبائی ذیل آیه «إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونَ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (سوره ابراهیم، آیه ۲۲) با ایجاد تقابل میان شرک در عبادت و شرک در اطاعت، مراد از شرک گرفتن را شرک در عبادت نمی‌داند، بلکه به نظر او شرک در اطاعت مقصود است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۲: ۴۸).

### نتیجه‌گیری

دانشمندان ابتدا توحید را به دو قسم نظری و عملی و سپس توحید نظری را به سه قسم ذاتی، صفاتی و افعالی قسمت کرده‌اند. مراد از توحید عملی آن است که همه اعمال انسان برای برخورداری از ثواب الهی و به یاد روز جزا باشد. در حقیقت، توحید عملی، اساسی‌ترین و سرنوشت‌سازترین مرتبه در مراتب و اقسام توحید است. جلوه‌های توحید عملی در سه مرتبه تجلی پیدا کرده است، این مراتب عبارت‌اند از توحید در عبادت، توحید در حمد و توحید در دعا. در میان اقسام توحید، بیش از همه بر توحید در عبادت، تأکید شده است. علامه طباطبائی برخلاف دیدگاه لغویین و دانشمندان و مفسران عبادت را به معنای خضوع ندانسته، بر این باور است کسانی که عبادت را به معنای خضوع دانسته‌اند، معنای لغوی این واژه را بیان نکرده‌اند، بلکه لازمه معنا را معنای کلمه گرفته‌اند. به عبارتی عبادت اگرچه مستلزم خضوع است، به معنای خضوع نیست و معنایی مختص به خود دارد. وی بر این باور است که عبادت از کلمه «عبد» گرفته شده و عبد به معنای انسانی است که مملوک غیر باشد و اگر

این کلمه را از ویژگی‌های انسانی تجرید کنیم به معنای موجود با شعوری است که ملک غیر با شد و به این اعتبار بر همه موجودات باشعور اطلاق می‌شود. بنابراین عبادت از دیدگاه علامه عملی است که عبودیت و مملوکیت عابد را در برابر معبود و مالک خود و نیز تصرف مالکانه و افاضه نعمت به مملوک و دفع نعمت از او را مجسم می‌کند.

عبادت از دیدگاه علامه عملی است که عبودیت و مملوکیت عابد را در برابر معبود و مالک خود و نیز تصرف مالکانه و افاضه نعمت به مملوک و دفع نعمت از او را مجسم می‌کند. علامه در بیانی دیگر وقتی به تبیین حقیقت عبادت می‌پردازد، آن را به معنای اظهار خضوع و تذلل نفس و ترسیم‌کننده مملوکیت و ذلت عابد در مقابل معبود معنا کرده است. از نظر علامه دعا وقتی عبادت به شمار می‌آید که بنده در مقام مملوکیت، معبود خود را بخواند و از او برای تأمین نیازهای خودیاری بطلبد. علامه هر نوع اطاعتی را عبادت نمی‌داند، بلکه به اعتقاد وی اطاعت بدون قید و شرط و بالاستقلال عبادت نامیده می‌شود. با توجه به آنچه گذشت روشن شد که توحید در نگاه علامه امری فطری و بدیهی است. ایشان در اثبات آن از روشی فلسفی - عرفانی - قرآنی استفاده کرده‌اند و به همین دلیل مسئله توحید و اقسام آن در نظریه ایشان تبیین عقلانی نیز پیدا کرد. در نگاه علامه بر اساس اصول فلسفی چون تشکیک توحید حقیقتی دارای مراتب است. به نظر می‌رسد تبیین عقلانی و فلسفی مسایلی که خود زیربنای بسیاری از مسائل اساسی هستند زمینه فهم عمیق‌تر آموزه‌های وحیانی را فراهم می‌کنند که در خصوص مسئله توحید در نگاه علامه این اثر مشهود است.

## مراجع

- قرآن کریم
- آل جمیع، حبیب، (۱۹۹۷)، معجم المؤلفات الشیعیة فی الجزیره العربیة، کلمة بقلم: الشیخ حسن موسی الصفار، مؤسسة البقیع لاحیاء التراث - دار الملائک للطباعة والنشر والتوزیع.
- آملی، سید حیدر، (۱۳۹۳ ش)، جامع الاسرار و منبع الانوار، ترجمه محمدرضا جوزی، قم، انتشارات هرمس.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۳ ش)، تفسیر موضوعی، جلد ۲، تهران، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۳)، تفسیر موضوعی، جلد ۸، تهران، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ ش)، مبادی اخلاق در قرآن، تهران، نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۶)، تفسیر تسنیم، جلد ۱، قم، انتشارات اسراء.
- السبزواری، هادی، (۱۲۸۹ ق)، شرح منظومه، قم، علامه سنگی.
- السید الشریف الجرحانی، علی بن محمد، (۱۴۰۵)، معجم التعریفات، به کوشش محمد صدیق المنشاوی، انتشارات دار الفضیلة.
- صحیفه سجادیه، (۱۳۷۴ ش)، نیایش ۴۷، مترجم حسین انصاریان، قم، انتشارات قم.
- صدرالمآلهین، محمدبن ابراهیم، (۱۳۶۶)، تفسیر القرآن الکریم، جلد ۱، قم، نشر بیدار.
- الصدوق، (۳۸۱ ق)، التوحید، به کوشش حسینی تهرانی، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمدحسن، (۱۳۶۹)، رسائل توحیدی، مترجم علی شیروانی، قم، انتشارات معارف اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۱ ش)، انسان از آغاز تا انجام، تهران، انتشارات الزهرا.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۰، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۲۰، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۶، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۲، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۷، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۸، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۹، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۱۲، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- الطبرسی، (۱۴۱۵ ق)، مجمع البیان، به کوشش گروهی از علماء، بیروت، اعلمی.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، مترجم محمد اشکور، جلد ۱، تهران، ناشر مکتب مرتضویه.
- الطوسی، (۴۶۰ ق)، التبیان، به کوشش احمد حبیب العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- علیزاده موسوی، سید مهدی، (۱۳۸۹)، توحید عبادی در اندیشه اسلامی، تهران، نشر اسوه.
- محاضرات السبحانی، (۱۴۱۷ ق)، الالهیات، به کوشش حسن محمد، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۹)، خداشناسی، تحقیق و بازنگری امیررضا اشرفی، جلد ۱، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، مجموعه آثار، جلد ۲، تهران، نشر اسوه.
- معلوف، لویس، (۱۳۸۷)، فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی: ترجمه المنجد الابدی، مترجم احمد سیاح، ناشر فرحان.
- موسوی خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۷۴)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.